

تازه‌ها



پنجشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۳



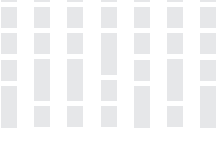
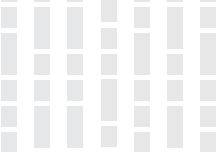
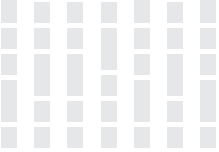
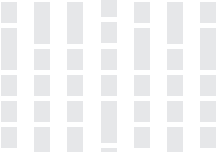
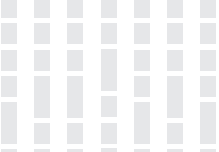
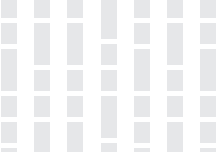
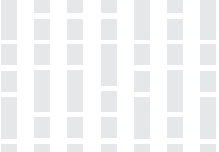
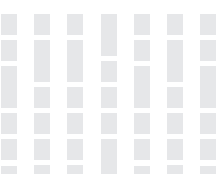
شماره ۴۳۵۳



FARHIKHTEGANDAILY.COM

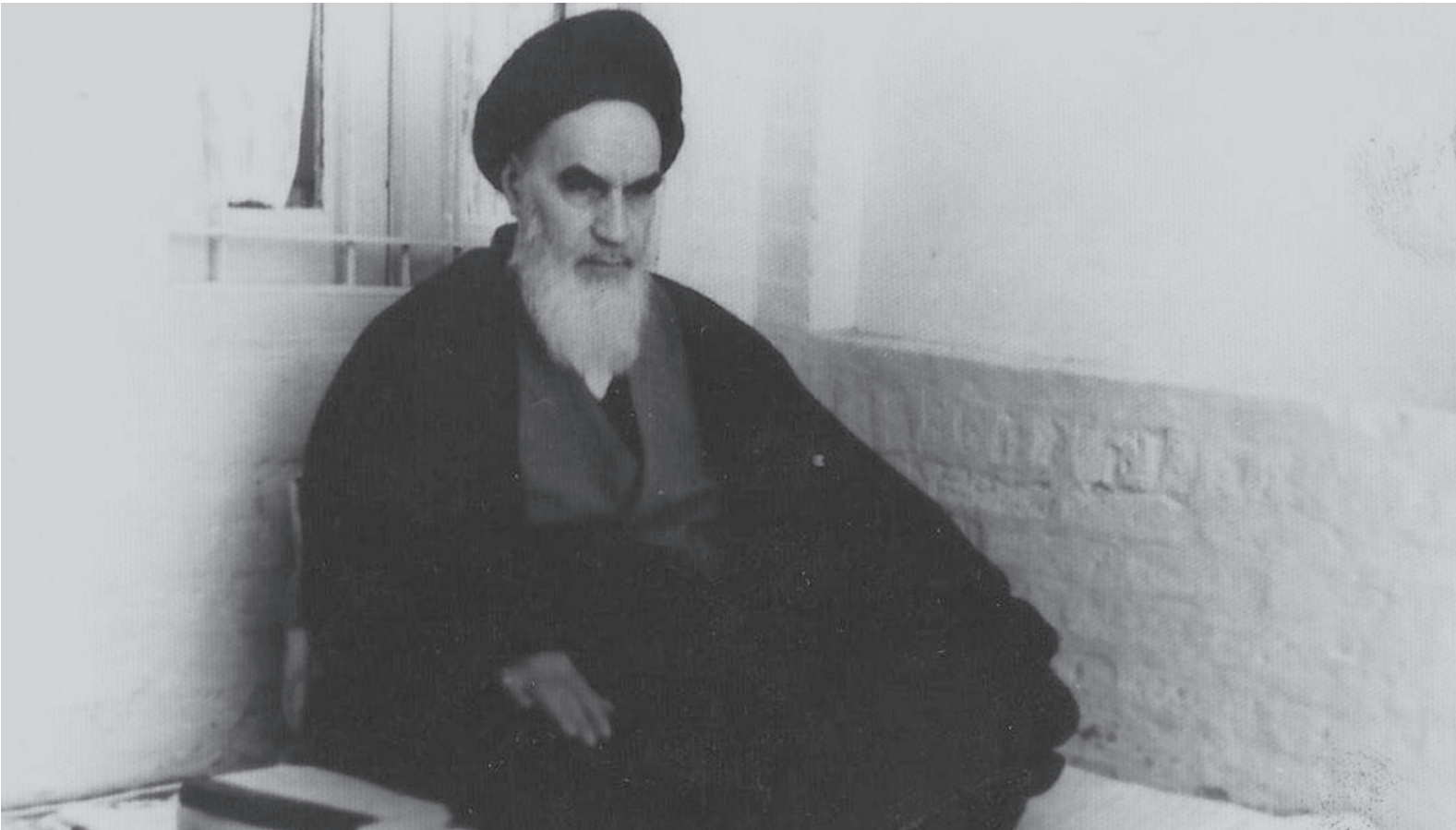


FARHIKHTEGANONLINE



مجتبی نامخواه، پژوهشگر مطالعات انقلاب اسلامی درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

از دید امام خمینی (ره) انتظار افضل الاعمال است



انقلاب اسلامی یک ایدهٔ معرفتی است که از دل سنت ایرانی شکل گرفته. یک بخش از سنت ایرانی فرهنگ تشیع است؛ فرهنگ تشیع در حوزه باورهای کلامی خودش تفسیری از امام دوازدهم خود دارد که او را منجی معرفی کرده است. در بین متفکران مسلمان انقلاب اسلامی، امام خمینی که رهبری انقلاب را بر عهده داشتند با تفسیری نو از بحث مهدویت و انتظار ایده‌ای را از مهدویت صورت‌بندی و ارائه کردند که مهدویت بسپار موضوعی انضمامی و در پیوند با زندگی باشد. این مفهوم و این تحول عظیم معرفتی را با مجتبی نامخواه، سردبیر مجله نامه جمهور و پژوهشگر مطالعات انقلاب اسلامی مطرح کردیم و از او خواستیم این ایده را برای ما توصیف و تحلیل کند که در ادامه می‌توانید این گفت‌وگو را از نظر بگذرانید.

■ ■ ■

مقوله انتظار در اندیشه امام خمینی (ره) چه جایگاهی دارد؟

موضوع انتظار فرج به‌عنوان بخش مهمی از ذخیره معرفتی اسلام و چهارچوب کلان آینده‌شناسی در فرهنگ اسلامی، از مبادی مهم مکتب امام خمینی (ره) و مورد توجه ایشان است. اما امام (ره) در این توجه، معنای خاصی از انتظار را مورد توجه قرار می‌دهند.

امام خمینی یک تئوری جامع در باب انتظار دارد. در این تئوری بازسازی ادبیات نظری انتظار، جنبه‌های آسیب‌شناختی و نقد باورهای رایج و متداول و هم بازتولید یک درگیری فراگیر معرفتی و عملی با جریان‌های اجتماعی و مروج معنای منفی انتظار وجود دارد و از همه مهم‌تر در یک سطح حکمی، ترسیم یک خط و دکت‌رن عینی برای منتظر بودن که در سطح عملی هم دلالت عینی‌اش به وجود می‌آید.

در سطح حکمی تئوری انتظار امام (ره) در دو شاخه حکمت نظری و عملی قابل بازشناسی است. در حکمت نظری امام خمینی (ره) کوشیده است با استفاده از ذخیره معرفتی عرفان اسلامی در وجهی نظام‌مند مفهوم ولایت انسان کامل را تشریح کند؛ اثر ارزشمند «مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه» از این منظر قابل بازخوانی است.

در سطح حکمت عملی هم امام خمینی (ره) بر خلاف رویه‌های موجود آن هنگام و البته اکنون، فراتر از ابعاد فردی و در حوزه «تهذیب اخلاق»، در سطوح اجتماعی حکمت عملی هم «انتظار» را به مثابه یک بنیاد نظری مهم در ساخت دانش اجتماعی و «سیاست مدن» مطرح می‌کنند.

مرزهای درگیری تئوری انتظار امام خمینی (ره) با دیگران در کجاست؟ اگر بخواهیم سطح حکمت عملی تئوری انتظار امام خمینی (ره) را به صورت خلاصه بیان کنیم، می‌توانیم از تعبیر «انتظار از جنس ظهور» استفاده کنیم. «انتظار از جنس ظهور» یعنی برای منتظر بودن باید کاری انجام داد. انتظار یک «عمل» و البته «أَفْضَلُ الْأَعْمَال» است.

در اینجا یک تمایز مهم امام خمینی (ره) با تنزه‌طلب‌ها روشن می‌شود؛ اما مسئله مهم اینجااست که درگیری تئوری امام (ره) فقط بر سر «عمل – بی‌عملی» نیست. این مسئله در تئوری انتظار امام خمینی (ره) خیلی پر رنگ است؛ اما تمام «مسئله» نیست.

در تئوری انتظار امام خمینی (ره) مسئله اصلی کجاست؟

سطح مهم‌تر بحث، بحث بر سر چگونگی این عمل است. چه سنخ عملی و با چه جهت‌گیری‌ای؟ تقریباً مشخص است که سنخ عمل مورد نظر امام (ره) یک «کنش اجتماعی» است؛ نه یک رفتار صرفاً قلبی یا درونی. اما ماجرا به اینجا هم ختم نمی‌شود. مسئله اینجااست که امام خمینی (ره) میان جمعی و عمل اجتماعی تفاوت قائل می‌شود. «عمل جمعی» مثل اینکه برخی به تعبیر امام خمینی (ره) «در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان –سلام الله- را از خدا بخواهند»؛ باید دقت داشت این جماعت با «دسته‌ای که می‌گفتند که خب، باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید» متفاوت است.

این درگیری تئوریک همان درگیری امام (ره) با انجمن حجتیه است؟ مرزهای درگیری تئوری انتظار فقط با حجتیه نیست؛ همچنان که در نظر امام (ره)، حجتیه فقط یک تشکیلات هم نیست. درگیری فراتر از این حرف‌هاست. امام (ره) به صراحت از دسته دیگری نام می‌برد که به نوعی اهل عمل اجتماعی است، به تعبیر امام (ره) بر خلاف «ساده‌لوحان» و «منحرفان» که میان گناه و ظهور ربط «استی» یا حتی «بایستی» برقرار می‌کردند؛ این جماعت دیگر «مرد صالحی هستند» که امام (ره) در موردشان می‌فرماید: «این‌ها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، غیر از این کار دیگری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند نبودند.» دقت کنید که درگیری امام خمینی (ره) بر سر «عمل فردی – جمعی» نیست؛ چراکه امام (ره) حتی مراسم و مناسک جمعی و حتی امر به معروف و نهی از منکر را هم کافی نمی‌داند. در واقع درگیری امام در موضوع انتظار فقط با «ساده‌لوحان» و «منحرفان» نیست؛ با «صالحان» هم است. درگیری بر سر «عمل جمعی – عمل اجتماعی» است.

امروز تصویر نایی که امام (ره) از انتظار مطرح کرد؛ از طریق همین گروه

اخیر یعنی صالح‌ها در معرض تهدیدها و تحدیدهای خطرناکی است. اینکه تبلیغ می‌شود امر به معروف و نهی از منکرهای متداول و یا مناسک، جشن‌ها و مراسم دعا با حضور جمعیت‌های گسترده یک کنش منتظرانه است، از امام خمینی (ره) در آخرین سخنرانی‌هایش محور مهمی در جبهه معارضه با تحجر و مقدس مآبی می‌گشاید؛ اما متأسفانه امروز در عرصه میدانن این درگیری معرفتی، تفکر عوام‌گرایانه در باب انتظار گام به گام جلو آمده و از تریبون‌های رسمی و نیمه‌رسمی هم به شدت ترویج می‌شود.

فرومید حجتیه علاوه بر تشکیلات یک تفکر هم است، آیا این فکر می‌تواند به اندیشه و رفتار افراد معتقد به انقلاب هم وارد شود؟

برخی فکر می‌کنند حجتیه یک حزب سیاسی ضد انقلاب است که فقط کسانی عضوآن هستند که در آن ثبت‌نام کرده و در جلسات‌شان شرکت کنند. فکر می‌کنند اگر کسی عاشق امام بود، به انقلاب علاقه داشت؛ دیگر حجتیه‌ای نیست. اگر صحنه امام را بخوانید می‌بینید امام در مورد مجتهدان منصوب خودشان در شورای نگهبان، که طبعاً در نزدیکی و علاقه‌شان به امام و انقلاب حرفی نیست هم نگران‌اند. نگران‌اند که به یک بار چشم وا نکنند ببنیاد حجتیه‌ای‌ها همه چیزشان را بدهند.

ما خیال می‌کنیم چن تند حرف می‌زنیم؛ چون پر خاش می‌کنیم، پس انقلابی هستیم. اما امام (ره) به ما این هشدار جدی را می‌دهد که زنهار این رفتارها و پر خاش‌ها نه به واسطه انقلابی‌گری، که از روی «حجتیه‌ای‌شدن» و اخلاق حجتیه‌مآبانه باشد.

تعریف انتظار در تئوری و مکتب امام خمینی (ره) که در مقابل دیدگاه‌های متعارض دیگر مطرح می‌شود، چیست؟

مکتب امام و انقلاب در برابر برداشت «ساده‌لوحانه و عوامانه»؛ در برابر برداشت «منحرفانه و جاهلانه» و حتی در برابر برداشت صالحانی که به اصلاح دیگری هم می‌پرداختند، استدلال دیگری دارد؛ خلاصه این انتظار «انتظار از جنس ظهور» است. ما هیست ظهور هم یک انقلاب جهانی و عدالتخواهانه است.

«بِمَا الْأَرْضُ قَسْطًا وَعَدْلًا کَمَا ملئت عدلاً و جوراً». گستره همه سیاره زمین است؛ یک انقلاب جهانی است و مسئله اصلی هم در آن عدالت است. ما نمی‌گوییم مثلاً «بِمَا الْأَرْضُ دیناً»؛ بعد از فهم دقیق از ظهور نوب طراحی عمل متناسب با آن است. اگر قرار است امام زمان (عج) «امام» باشد پس «کنش منتظرانه» باید از جنس واقعه ظهور باشد؛ که «انقلاب جهانی برای عدالت» است. البته توان ما که انقلاب جهانی و برپایی عدالت نیست، اما هر کس در حد توان خود می‌تواند انقلابی، جهان‌نگر و عدالت‌خواه باشد.

از منظر امام خمینی (ره) چه نسبتی میان ظهور و انقلاب اسلامی وجود دارد؟

امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی را مقدمه و گامی مهم در راه ظهور می‌داند اما این استدلال و باورشان بر اساس منطقی است که عرض شد؛ بر اساس ایده «انتظار از جنس ظهور» است نه بر اساس تطبیق‌های حجتیه‌ای

مآبانه‌ای که فقط به درد ساختن مستند «ظهور نزدیک است» می‌خورد. اهالی نواخباری‌گری فکر می‌کنند هنر کرده‌اند یک روایت‌هایی پیدا کرده و بر «انقلاب اسلامی» تطبیق داده‌اند. فکر می‌کنند امام بلد نبود از این روایت‌ها برای مردم بخوانند؛ امام بلد نبود با خواب‌ها و تا «فلانی زنده است ظهور اتفاق می‌افتد» و این طور حرف‌ها درباره ظهور قصبه بسلاز و اسمش را بگذارد متوجه کردن دل‌ها و محبت‌ها به امام زمان (عج). غافل از اینکه این حرف‌ها یک فلسفه روشن و عقلانی و فراگیر و یک منطق کنش عملی و اجتماعی به دست نمی‌دهد؛ حداکثر به درد برانگیختن احساسات و همان «ظهور نزدیک است» می‌خورد.

واقعیت تلخ این است که محصول نهایی و نظام فکری‌ای که بسیاری از علاقه‌مندان به انقلاب درباره انتظار ساخته‌اند، در نهایت به درد همان «ظهور نزدیک است» می‌خورد. از هزار حرف منتظرانه‌شان، یک عمل عدالتخواهانه بر نمی‌خیزد. اصلاً اگر گاهی مجموعه صحبت‌هاشان را تحلیل محتوا کنیم، یک کلمه «عدالت» در آن پیدا نمی‌شود. اما کلمه به کلمه حرف‌های به اصطلاح محبت‌آمیز می‌زنند. من اصلاً اشاره به فرد و یا افراد خاصی ندارم. من با خودم، با خودمان کار دارم.

واقعیت این است که خیلی از ما قلباً امام و انقلاب را دوست داریم اما در

عمل، مثلاً در انتظار مان کاملاً حجتیه‌ای عمل می‌کنیم. فرصت نیمه‌شعبان

هر سال موقعیت مناسبی است برای رصد این مسئله، چه بسپار جشن‌ها

و مناسک هزاران هزار نفرهایی که از اول تا آخر منبر و مداحی و تواشیع و

شعر و سرود و جزوه و نشر به و ایستگاه صلواتی‌اش، حتی یک کلمه هم از

ماده «عدل» پیدا نمی‌شود.

بین روز میلاد امام زمان (عج) و نام‌گذاری این روز به‌عنوان روز جهانی مستضعفین چه تناسبی وجود دارد؟

رهبر انقلاب می‌فرمایند: «امام حقایق فراموش شده اسلام را احیا کرد؛ عدالتخواهی اسلام را سر دست بلند کرد.» یکی از جاهایی که امام خمینی (ره) این کار را کرد، عدالتخواهی را احیا کرده که همین ساحت انتظار است. مسئله انتظار چیست؟ امام زمان (عج) به علی بن مهزیار که از دوری و فراق گله می‌کنند، با صراحت می‌فرماید: «نه»؛ این طور نیست که ما از شما دور باشیم، مسئله نظام اجتماعی شماس است. «لا؛ و لکنکم کَثُرْتُ الْأُمُوالَ وَتَحِیرْتُمُ علی ضَعْفَاءِ الْمُؤْمِنین وَفُتَعْتُمُ الذِّی بَینَکُم فَایْ عُذْرَ لَکُم؟» شما روی به تکاثر و سرمایه‌داری آورد‌اید، مستضعفین شما حیران و سرگردان‌اند، دیگر چه عذری برای شما باقی می‌ماند؟ مسئله مستضعفین در متن و بطن انتظار است. اما برای ما قصه را معکوس روایت می‌کردند. مثلاً در همین قصه دیدار علی‌بن مهز یا بنیین، ماجرا را طوری روایت می‌کردند که این مفهوم در حاشیه باشد.

امام (ره) به ما یاد داد روز میلاد امام زمان (عج)، «روز جهانی مستضعفین» است. یعنی انتظار را برگرداند به همان معنای اصلی و اصل خودش. به همان معنای مورد نظر امام زمان (عج). اما متأسفانه بعد آمدند حرف‌هایی زدند که بازی را برگرداندند به همان جای اول. به اینکه انتظار یک بازی باشد. واقعاً جا دارد از خودمان پرسیم اگر روز جهانی امام زمان (عج) روز جهانی مستضعفین نبود، اگر امام زمان نمی‌آمدند که یک انقلاب جهانی و

عدالتخواهانه بر پا کنند، اگر امام زمان (عج) با صراحت و اعتراض به علی بن مهزیار آن جمله را نمی‌فرمودند، در جشن‌ها و مراسم و منبرهای ما چه تغییر روی می‌داد؟ چرا مفهوم انتظار صریحاً مطرح نمی‌شود؟ یا اجازه بدهید بگویم قلب و تحریف می‌شود.

متأسفانه گاهی احساس می‌شود این انحراف معرفتی و «کیفی»، پشت انبوهی از کارهای «کمی»، پشت انبوهی از مراکز و همایش‌ها و نشریه‌ها و رشته‌ها و کنفرانس‌ها و پژوهش‌ها مخفی این می‌شود. در حالی که فلسفه وجود این قبیل پژوهش‌ها قاعداً تصحیح این آسیب‌هاست. حالا بحث ما آسیب‌شناسی این قبیل اقدامات فرهیختگانی و نخبگانی نیست، این بحث دیگری است و فعلاً بحث ما آسیب‌های مطرح در فرهنگ عمومی است.

به چه میزان نظریه انتظار امام خمینی (ره) مبنای فرهنگ‌سازی‌ها در این زمینه قرار گرفته است؟

واقعیت آن است که هشدارهای امام خمینی (ره) درباره مبارزه با تحجر و آسیب جدی «تحجر زدگی» جدی گرفته نشد. هشدار امام خمینی (ره) نسبت به امکان سرایت تحجر از افکار چندلایه اهل جمود جدی گرفته نشد. برخی گمان کردند مبارزه با تحجر یک شعار انتخاباتی است؛ آن را در راه رسیدن حزیشان به کرسی‌های مجلس «مصرف» کردند؛ برخی دیگر هم برخلاف هشدار امام که می‌فرود پرونده متحجران باز است، پرونده بحث از تحجر را بستند و دیگر حرفی از ستیز با تحجر و لایه‌های آن زدند؛ به دیگران هم توصیه کردند دراین باره حرفی نزنید. این است که حتی ادبیات و دغدغه‌های امام در این زمینه بازخوانی نشد چه رسد به اینکه به عرصه کتاب و تئوری و مباحثه و مقاله جدی را بیايد.

حالا این ماییم و حاصل این وضع کنونی. بعد برخی می‌گویند یک‌دفعه فلان جریان انحرافی شیعه و فلان پروژه انگلیسی از کجا پیدا شد؟ بستر ظهور چنین جریان‌هایی همین پروسه‌های موجود و زیرساخت فکری متحجرانه است. در این بازی و نمایشی که در برپاند مناسک ما از انتظار اجرا می‌شود، معلوم است امام خمینی (ره) نقش اول و قهرمان ساحت انتظار نیست. در این گفتمان از انتظار، چهره اصلی که از آن بحث می‌شود و به آن ارجاع داده می‌شود معلوم است که امام خمینی (ره) نیست، بلکه فلان کسی است که

در فلان خواب و رؤیا با امام زمان (عج) دیدار کرد. در حالی‌که اما این خمینی کبیر بسود که ما را از خواب بیدار کرد؛ به ما یاد داد ساحت انتظار عرصه عمل است، نه خواب و رؤیا. به ما یاد داد می‌توان بدون نقل و ادعای حتی یک خواب و رؤیای تشرف، بزرگ‌ترین انقلاب و عمل منتظرانه را داشت.

متأسفانه ما برای خودمان هیچ الزامی نمی‌بینیم نگاهمان به انتظار را بر اساس خطوط کلی دیدگاه امام (ره) بازخوانی و بازسازی کنیم، این است که یک‌بار چشم و ما می‌کنیم و می‌بینیم کلی کار پُر حجم می‌کنیم، به اسم امام زمان (عج) انجام داده‌ایم؛ اما در چهارچوب اسلام حجتیه‌ای. من فکر می‌کنم قضاوت امام زمان (عج) در مورد همه این کارها روشن است؛ این کار‌ها که از بیست‌بار پیاده به حج رفتن سخت‌تر نیست؛ پاسخ حضرت یک کلمه است. حرف بقیه‌الله الأعظم (روحی فداه) یکی است. یک کلمه دو حرفی؛ همان «لا»یی که به علی بن مهزیار فرمودند.



در یک جمع‌بندی ایده امام خمینی «انتظار از جنس ظهور» است؛ اینکه انتظار امری است از جنس ظهور. اگر ظهور انقلاب و دگرگونی اجتماعی معطوف به عدالت است، انتظار ظهور نمی‌تواند امری قلبی یا حتی جمعی باشد، بلکه انتظار ساخت ظهورهایی کوچک است و ظهور نهایی از به هم پیوستن آن‌ها به وجود می‌آید.

با این نگاه اگر باز گردیم و شعارن، مفاهیم و ایده‌های مرتبط با انتظار و ظهور را بازخوانی کنیم، می‌بینیم انبوهی از بزرگداشت‌ها و تفسیرها درباره انتظار هم امروز رایج است که هیچ دعوتی به عمل برای ایجاد دگرگونی‌های عطفوف به عدالت‌خواهانه ندارد. این تفسیرها از سوی سازمان حجتیه انجام نمی‌شوند اما در افقی مشترک با ایده حجتیه قرار دارند. چه‌بسا بتوان گفت امروزه انتظار حجتیه‌ای به‌مثابه فستیوال‌هایی است. در حاشیه امر اجتماعی، گفتارهایی که حداکثر دل‌های معنوی و دعا برای فرج را ترویج می‌کنند و مناسکی مذهبی که همگی از خلق عمل اجتماعی و عدالت‌خواهانه ناتوانند، به‌صورت غالب انتظار در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای تبدیل شده‌است. نمی‌توان در جامعه‌ای که از عقب‌ماندگی عدالت رنج می‌برد و در جهانی در نابرابری‌های حادّ غوطه‌ور است، منتظر رهبر انقلابی جهانی برای عدالت اجتماعی بود اما میان این انتظار با آن ظهور هیچ سنخیتی بر قرار نباشد.

زدن به گناه» است که به سازمان حجتیه منسوب است؛ برداشت‌های دیگر اغلب تفاسیری از انتظار و ظهور است که امروز بدنه اصلی ادراک مذهبی از انتظار را در میان منتقدان حجتیه و علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد. بگذریم.

مسئله اصلی و بنیادین در تفسیر امام خمینی از انتظار، که آن را از برداشت حجتیه‌ای و دیگر تفاسیر مشابه متمایز می‌کند، چیست؟ به‌طور خلاصه می‌توان این برداشت را حامل دو مفهوم و استدلال کلیدی دانست. یکی مسئله عمل است. مسئله ظهور در آینده باید به عملی در اکنون ختم شود.

از این منظر هر تفسیری از ظهور که به عملی عمومی ختم نشود، به حفظ عاملیت عمومی کمک نکند و اراده انسان مختار را مقهور وضعیت موجود سازد، به شکلی بنیادین انکار می‌شود. رکن دوم را این‌طور می‌توان توضیح داد که اندیشه انتظار باید بازتولید کننده عملی باشد که جمعی نیست، بلکه یک عمل اجتماعی است. مقصود از عمل جمعی، اصلاح‌های خُرد اجتماعی است. امام خمینی تلاش می‌کردند به ما توضیح بدهند که عمل انتظار باید معطوف به عدالت باشد. اگر در این برداشت از انتظار مسئله حکومت هم مطرح است، به‌این دلیل است که حکومت امکانی برای عدالت است و منهای آن، در بهترین حالت اصلاح‌های خُرد و کوچک امکان‌پذیر است نه بیشتر.